

موانع و چالش‌های جهانی سازی در همگرایی منطقه‌ای کشورهای اسلامی

دانشگاه عالی دفاع ملی

مجری پروژه: دکتر محمد رحیم عیوضی

در واقع، آنچه به عنوان سابقه همگرایی امنیتی منطقه‌ای می‌توان در کتابها و نوشته‌های گذشته جستجو کرد مجموعه مطالبی است که پیرامون وحدت جهان اسلام به رشته تحریر درآمده است که چارچوب تئوریک مناسب و قابل قبولی را برای این پژوهش ارائه نمی‌دهد.

البته با فروپاشی نظام دوقطبی و ظهور پدیده جهانی شدن/سازي، ظهور موج نظریات جدید در عرصه روابط بین‌الملل که به نقد گذشته و تبیین تحولات جدید پرداخته می‌توان امیدوار بود که این نظریات در جهت الگوی همگرایی منطقه‌ای بهره‌جست.

شاید بهترین نظریه روابط بین‌الملل که می‌تواند در این بحث در تبیین موضوع به ما کمک کند نظریه سازه‌انگاری باشد که معتقد است، سیاست بین‌الملل که می‌تواند در این بحث در تبیین موضوع به ما کمک کند نظریه سازه‌انگاری باشد که معتقد است، سیاست بین‌الملل به عنوان یک واقعیت اجتماعی ساخته شده، قلمرو اجتماعی ساخته شده، قلمرو اجتماعی است که ویژگی‌های آن در نهایت از تعامل میان واحدهای تشکیل دهنده آن تعیین می‌شود.

در این نظریه هویت موضوعی بسیار مهم است که برخلاف نظریات پیشین، هویت دولت‌ها ثابت و از تعیین شده نیست بلکه امری تاریخی و متحول و قابل دگرگونی است. بنابراین بحث هویت کشورها مهمترین موضوعی است که در حول آن می‌توان موضوع همگرایی امنیتی در جهان اسلام را توضیح و تبیین نمود.

متغیر مهم دیگری که در پرتو نظریه سازه انگاری می تواند نقش آفرین باشد پدیده یا پروژه جهانی شدن/ سازی است که حاکمیت دولت ها را تحت تأثیر جدی قرار داده است. اساساً روابط بین الملل که همواره با صبغه امنیتی درک شده است در سال های اخیر که از بارزترین ویژگی های آن سردرگمی کشورها- خصوصاً قدرت های بزرگ- در چگونگی تشخیص و تعقیب عملکرد متناسب با منافع ملی شان است، حساسیت های امنیتی بیش از گذشته تنظیم سیاست خارجی کشورها را در بر گرفته است. شکاف های میان شمال و جنوب از یکسو و گزینش رویه های اتحاد و همکاری در کنار رقابت (Competition) از سوی دیگر، صف آرایه های جدیدی را موجب گشته که عملاً با توجه به پویایی روابط بین المللی و کاهش توانمندی دولت ها برای تهیه پوشش فراگیر، همگرایی منطقه ای را از جذابی و کاربرد روز افزونی برخوردار کرده است.

در چنین وضعیتی که فرصت جابجایی بیشتری در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای برای کشورها بوجود آمده است، دولت هایی که دارای پیوستگی های خاص می باشند، ظرفیت و تمایل بیشتری برای ایجاد و تقویت روابط در سطوح مختلف با یکدیگر نشان می دهند. از جمله مجموعه های اینچنینی همانا جهان اسلام می باشد که می بایستی با بهره جویی و عبرت گیری از تجارب جدید داخلی و خارجی حرکت هایی را سازماندهی نماید تا استراتژی اتحاد و ائتلاف را بر پایه یک گفتمان مشترک میسر سازند.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: همگرایی امنیتی منطقه ای- اسلامی با درکی چند بعدی از امنیت در ساختاری شبکه ای منطقه قابل توضیح می باشد و در این زمینه گزینه های فرصت (همگرایی) و تهدید (واگرایی) را توأماً پیش روی آن قرار داده است.

فرضیه رقیب: جهان اسلام به جهت فقدان منافع و امنیت مشترک عملاً با چالشی از سوی منطقه ای شدن روبرو نیست.

دستاوردهای مورد نظر:

الف) دستاوردهای نظری:

- انسجام بخشی به مطالعات پراکنده در زمینه منطقه ای عمل نمودن کشورهای اسلامی و دستیابی به اطلاعات در قالبی منسجم

- شناخت محورهای کلیدی در ایجاد گفتمان مشترک امنیتی منطقه ای در کشورهای اسلامی

ب) دستاوردهای عملی

- بازشناسی اهمیت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام برای مقابله با موانع و چالش های موجود در پذیرش منطقه ای
- شناسایی موضوعات و محورهای جدید هویتی در جهان اسلام به منظور هدایت و راهبری صحیح آنها در عمل سازی منطقه ای

حدود و نقطه تمرکز تحقیق

در این تحقیق محدوده زمانی سال های ۱۹۴۶ یعنی پایان جنگ جهانی دوم تا زمان حاضر را در بر می گیرد. البته برای نشان دادن سوابق موضوعات به گذشته های دور یعنی تا صدر اسلام نیز به گذشته بازگشت می شود.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی